

الزامات و آسیب‌های تحقق تمدن نوین اسلامی

رحیم یوسف‌وند،^۱ اقبال امیری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۵

چکیده

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران را می‌توان نقطه عطفی برای تحقق تمدن نوین اسلامی دانست زیرا که با این انقلاب، معادلات حاکم بر زندگی اجتماعی مسلمانان دگرگون شد و فضای مناسبی برای تمدن‌سازی اسلامی فراهم شد. انقلاب اسلامی فرصتی بی‌بدیل را در اختیار متولیان معارف دینی قرار داد تا الگوی اجرایی تمدن اسلامی را طراحی و مراحل اجرایی آن را قدم به قدم دنبال کنند به همین دلیل تمدن اسلامی و تمدن‌سازی نوین اسلامی از کلید واژه‌هایی هستند که در سال‌های اخیر به موازات افزایش تهاجم فرهنگ غربی توسط رهبر معظم انقلاب به کارگرفته شده است. تحقق تمدن نوین اسلامی بدون داشتن نقشه راه و چارچوب و الگویی جامع و پیشرو ممکن نخواهد بود، در این زمینه لازم است الزامات و آسیب‌های تشکیل تمدن نوین اسلامی مورد شناسایی قرار گیرد. جهت نیل به سوی تحقق تمدن نوین اسلامی در مسیر صحیح، موانع و آسیب‌های همچون مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان، عدم توجه به عقلانیت دینی و عدم پیروی از رهبری واحد و چالش‌هایی مانند فرهنگ مهاجم غربی و اختلاف‌افکنی در میان مسلمانان وجود دارد. بررسی حاضر با مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی در پی پاسخ به این سوال اصلی است که چه الزاماتی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی ضروری است و چه موانع و چالش‌های پیش روی تحقق تمدن نوین اسلامی وجود دارد؟

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، بومی سازی، تمدن نوین اسلامی، توسعه، الزامات، آسیب‌ها

^۱. کارشناس ارشد علوم قرآنی دانشگاه پیام نور قم.

^۲. کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، eghbal.amiri@gmail.com

مقدمه

تمدن اسلامی پس از قرون متمادی درخشش در عرصه جهانی، متاسفانه روندی نزولی را طی نمود، در حالی که جهان غرب پس از انقلاب صنعتی و پیشرفتهای تکنولوژیک و ایجاد و بهره برداری از ابزارهای مختلف، قدمهای بزرگی در راه آسایش و رفاه زندگی مادی انسانها برداشت. ضعفهای داخلی حکومت‌های اسلامی و خود کم بینی مفرط ملت‌های مسلمان در رویارویی با پیشرفتهای غرب، باعث گردید عده ای از غربزدگان راه پیشرفت را در پیروی از این تمدن جدید بدانند. با این وصف، علیرغم تمام پیشرفتهای صورت گرفته در ایجاد آسایش مادی، امروزه بشر نتوانسته به آرامش واقعی که همانا آرامش روحی و روانی است دست یابد.

دین اسلام از آغاز ظهور در مسیر تمدن‌سازی قرار داشت و در کنار دولت‌های ساختارمندی مانند ایران و روم، ساختارهای تمدنی و سبک زندگی مبتنی بر نظر خداوند بر پا ساخت؛ در مدت زمان کوتاهی شاخصه‌های پیشرفت جامعه را تحقق بخشید و برای جامعه ساختارهای حقوقی، آموزشی، کشاورزی، اقتصادی، مدیریتی و مانند آن را بنیان نهاد. این ساختارها و برنامه‌ها موجب تحول و پدید آمدن تمدنی در جامعه جاهلی و بادیه نشین اعراب گردید و آنان را به بزرگترین و اثرگذارترین تمدن تبدیل نمود. اعتقاد به اسلام به عنوان سیستم جامعی که برای تمام ابعاد وجود انسان و جهان، در تمامی زمینه‌ها برنامه دارد، از مبانی و پیش فرضهای امت واحده و تمدن نوین اسلامی است.

تمدن نوین اسلامی که جوانه‌های شکوفایی آن با انقلاب اسلامی ایران پدیدار گردید، در سالهای اخیر با بروز جنبش‌ها و قیام‌های مردمی در میان ملت‌های مسلمان جهان که با نام بیداری اسلامی شناخته شده است روندی رو به رشد به خود گرفته است. با الگوبرداری از انقلاب اسلامی ایران و مشاهده پیشرفتهای شگرفی که با اتخاذ نگرشی نوین در فرایند تمدنی جهان صورت گرفته و جرقه‌های بازیابی شوکت و عظمت گذشته تمدن اسلامی زده شده است. با توجه به عدم اقتناع فکری و فرهنگی بشر از طریق پیروی و بهره‌گیری از تمدنهای موجود و رویکرد و اقبال گسترده و روزافزون جوامع بشری به اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی که موجبات نگرانی دولت‌های غربی را نیز فراهم نموده است، لزوم هوشیاری و توجه دقیق در مساله ایجاد، پرورش و گسترش تمدن نوین اسلامی بیش از پیش نمایان است.

در چند قرن اخیر پیشرفتهای علم، تکنولوژی، صنعت، اطلاعات و ... مرهون تمدن مدرن غرب بوده است. تمدن نوین اسلامی سعی بر آن داشته است که با بهره‌گیری از ابزارها، مواهب و دستاوردهای مفید تمدن مادی غرب، به ایجاد تمدنی نوین بپردازد که بتواند تمامی جنبه‌های تمدنی را در برداشته باشد. فرهنگ‌های جاری جوامع، توسعه امکانات ارتباطی و آسیب‌های آن، گروه‌های فکری اجتماعی مختلف و نیز رویارویی تمدن‌های مستقر جهانی با فرایند تمدن سازی نوین اسلامی، باعث بروز آسیب‌ها، چالش‌ها و موانعی بر سر راه این تمدن گردیده است. برای وصول به هدف

حرکت تمدن نوین اسلامی در مسیر صحیح خود، ضروری است بررسی گردد که چه آسیب‌هایی متوجه این تمدن است؟ مهمترین چالش‌های پیش روی آن چیست و چه موانعی بر سر راه آن قرار گرفته است؟

۱. الزامات تمدن نوین اسلامی

تعالیم اسلامی همواره دو هدف اساسی را پی‌گیری می‌کند، هدف اول انسان‌سازی و هدف دوم تمدن‌سازی است که آن هم فضای رشد و تعالی انسان کامل را تأمین می‌کند. هدف اول حفظ صبغه‌ی الهی و دینی در تمام فرآیندهای ناظر به انسان‌سازی و تمدن‌سازی است که خروجی آن انسان‌های الهی و جامعه‌ی الهی است. هدف دوم از تبیین الزامات نرم افزاری و فرهنگی، ناظر به پیاده‌سازی و تحقق عینی تمدن اسلامی است؛ به این معنا که باید تمام فرآیندهای لازم برای تحقق فرهنگ و تمدن اسلامی تبیین و طراحی گردیده، حلقه‌های لازم برای اجرای طرح تمدن‌سازی دینی بر اساس محاسبات و مهندسی الهی تکمیل شوند. در این باره می‌توان به نکات زیر توجه نمود:

۱. توجه به علوم و معارف قرآنی: مواد اولیه تمدن‌سازی دینی مفاهیم، علوم و معارف قرآنی اند، و قرآن کریم نیاز به مفسر دارد و معصومین(ع) مفسران قرآنند؛ به تعبیر رسول مکرم اسلام: «هر که طالب علم پیشینیان و آیندگان از اول تا آخر دنیا در قرآن کند و کاو کند»(خیری، ۱۳۹۱: ۲۳۱).

۲. تلاش مجددانه با اعتقاد راسخ: این ویژگی موجب شد تا در صدر اسلام تمدنی پایه‌گذاری نمایند که پایه و اساس تمدن‌های بعدی گردد.

۳. رعایت ارزشهای اخلاقی در بعد علمی و عملی: در این خصوص مسلمانان بر این باورند که:

الف) نسلی مدیون نسل قبلی است، بدون این که بعضی لغزشها و اشتباهات پیشینیان چیزی از ارزش آن بکاهد.

ب) برای تجدیدنظر در گفته‌های پیشینیان هیچ مانعی وجود ندارد، به شرط این که در ردّ و ایراد زیاده روی و اشکال تراشی نشود.

ج) به عقیده‌ی دانشمندان اسلامی، هیچ دانشمندی به هر مرتبه‌ای که از دانش رسیده باشد، از لغزش و خطا مبرا نیست (سزگین، ۱۳۷۱: ۳۷).

۴. بومی‌سازی علمی و فرهنگی: گرچه مسلمانان دانش را گمشده‌ی خود می‌دانند که می‌بایست در دست هر کسی هست آن را فرا بگیرند، ولی به تقلید و اقتباس اکتفا نکرده و آن را با محک اصول هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفتی و روشی خود سنجیده، بازسازی کرده و رنگ بومی بدان می‌دادند(یعقوبی، ۱۳۸۷: ۴۵).

۵. لازم است با تدوین الگوی توسعه‌ی اسلامی نقشه‌ی راهبردی و کلان تربیت انسان متعالی و ایجاد تمدن نوین اسلامی طراحی شود و مبتنی بر آن، برنامه‌ی بخشهای مختلف زندگی تدوین و مرحله به مرحله اجرایی گردد. با وجود یک نقشه کلی تکلیف تمام بخش‌های زیرمجموعه نیز به راحتی تعیین خواهد شد (لاهوری، بی تا: ۱۷۳).

۶. اصلاح سبک زندگی به عنوان بعد نرم افزاری تمدن نوین اسلامی

۲. الزامات عقلی تمدن سازی

عقلانیت در فرآیند تمدن‌سازی اسلامی، از جهتی هم «طریقت» دارد و هم به عنوان رکن یا وسیله در برپایی تمدن اسلامی باید مورد استفاده قرار گیرد و شامل مؤلفه‌های ذیل می‌باشد:

۱. اجتهاد پویا و بالنده: جاودانگی و جهانی بودن تعالیم اسلام، متضمن ظرفیت علمی و پژوهشی پایان ناپذیری در این دین است که به موجب آن، عالمان دینی این امکان را می‌یابند که بر محوریت اجتهادی پویا، پاسخ‌هایی متناسب با زمانه ارائه کنند. همین مقابله سرافرازانه دین در قبال پدیده‌های جدید و نوظهور، موجب اثبات کارآمدی دین و پذیرش مشتاقانه آن از سوی عموم انسانها می‌شود.

۲. مدیریت کارآمد: تمدن‌سازی پدیده‌ای چند بعدی است که به مدیریت کارآمد، نیاز مبرم دارد. صرف قرار گرفتن اندوخته‌های مفید در کنار هم، تمدن ساز نیست، بلکه ارتباط و مناسبات منطقی اندوخته‌ها با یکدیگر و برنامه ریزی هدفمند است که شکل‌گیری تمدن را موجب می‌شود. تبدیل منابع به امکانات قابل دسترس و هدایت آن در جهت تحقق اهداف مورد نظر، اصل مهمی است که در پرتو مدیریت کارآمد عملی می‌شود.

۳. اهتمام به تولید دانش بومی: در ضرورت تولید و نشر علم و تأثیرات تمدنی فوق‌العاده آن، همین بس که با طلوع خورشید اسلام در عربستان مقارن بوده است. مکتب اسلام پیروان خود را در کنار تربیت معنوی، تربیت علمی می‌کند و به آنان می‌آموزد که دسته بندی‌های ارزشی و عقیدتی را وارد فضای تبادلات و مناظرات علمی نکنند و بدون غرور و تعصب، هر سخن حقی را در هر جایی که یافتند، فرا بگیرند؛ زیرا لازمه حیات و پویایی علمی، زوال تعصبات باطل و برخورداری از روحیه علمی است.

۴. عبرت‌گیری: عبرت‌گیری از حوادث و پدیده‌ها، نوعی عملیات فکری است که طی آن، عبرت‌گیرنده از مقدمات حسی مثل دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها بهره می‌گیرد و با گذر از آنها به معرفتی ورای آنها منتقل می‌شود و به نتیجه‌ای منطقی و معقول دست می‌یابد.

۳. الزامات اخلاقی تمدن سازی

نقش بی بدیل فضایل اخلاقی در امر تمدن‌سازی بر کسی پوشیده نیست. هر اجتماعی از انسانها که تقیدی به خصلت‌های نیکو نداشته باشد؛ حتی اگر از همه سطوح و ابعاد عالم طبیعت آگاهی داشته و از حد‌اعلای آن نیز برخوردار باشد، حلاوت انسانیت را نخواهد کشید. در حقیقت، لزوم خصلتهای نیکو برای یک جامعه متمدن، لزوم آب برای هر روییده نیازمند آب است. تبلور آن دسته از مؤلفه‌های اخلاقی که زمینه ساز تمدن‌سازی اسلامی خواهد بود عبارتند از:

۱. تقویت حس کرامت: ارزش کرامت در میان شبکه وسیع و به هم پیوسته ارزشهای انسانی و الهی از موقعیتی ویژه برخوردار است. از آنجایی که انسان پرتوی از عالم غیب و ملکوت است، ریشه احساسات اخلاقی از همین ناحیه پیدا می‌شود.

۲. اصالت اخلاقی: منظور از اصالت اخلاقی، مجموعه‌ای از خصوصیات نژادی و اقلیمی است که باعث می‌شود ملتی از ظرفیت اخلاقی بالایی برخوردار باشد. مطابق کتب تاریخی، ایرانیان از نوادر قومی در تاریخ بودند که از همان ابتدای ورود اسلام به ایران، آگاهانه و مشتاقانه، پذیرای تعالیم اسلامی شدند. این خصوصیات به مثابه ظرفی است که در برگیرنده مظلوفی به نام ارزشهای اخلاقی است.

۳. پرهیز از غرور و خودستایی: غرور و خودپرستی، صفت اخلاقی مذمومی است که فرد و جامعه را به عقب ماندگی و فلاکت می‌کشاند و عامل بازدارنده‌ای است که پیشرفتهای علمی و معنوی را کند و گاهی متوقف می‌کند.

۴. مدارا و سعه صدر: مدارا و سعه صدر به نوبه خود از الزامات اخلاقی اعجاب‌انگیز به حساب می‌آید و دامنه آن به فراتر از حیات فردی انسانها گسترش می‌یابد.

۵. مهرورزی و خوش رفتاری: تشکیل پیوندهای محکم انسانی بر محوریت دوستیها و صمیمیت‌های خالصانه از اهم توصیه‌های اجتماعی دین مبین اسلام است. آنچه باعث استحکام درونی مناسبات اجتماعی می‌شود، مهرورزی و اظهار محبت به یکدیگر است.

۴. الزامات معنوی تمدن‌سازی اسلامی

تمدن اسلامی که به درستی باید آن را تجسم عینی فطرت دانست، همانند ساختار وجود انسان، از جسم و روح به هم پیوسته‌ای برخوردار است. جسمیت تمدن اسلامی، در قالب مظاهر و نمادهای خیره‌کننده تمدن قابل مشاهده است. اما در ورای این صورت ظاهری، معنویت اصیل و پرجاذبه‌ای قرار دارد که بدون آن، مظاهر تمدن اسلامی به مظاهری بیروح و عاری از کشش و تأثیر معنوی تبدیل می‌شوند. پر واضح است که تولید چنین معنویتی به الزامات خاصی نیازمند است که به اهم آنها اشاره می‌شود:

۱. تقویت نگرش توحیدی: معرفت به وحدانیت الهی، اساسی‌ترین اصل در اعتقادات اسلامی شمرده می‌شود و نسبتی حیات بخش با جریان معنویت‌گرایی اسلامی دارد. جهت اصلی که یک انسان معنوی باید طبق آن حرکت کند، از مبدأ و غایت مشخصی برخوردار است. علم به این ابتدا و انتها، به اندازه‌های مهم و سرنوشت ساز است که بدون آن، گفتمان معنویت‌گرایی اسلامی معنا و حجیت خود را از دست می‌دهد. توحیدباوری برای انسان معنوی تنها لقلقه زبان نیست بلکه قلب‌تپنده حیات معنوی وی به شمار می‌رود.

۲. مقابله با عناصر معنوی کاذب: ذات معنویت که از ارتباط انسان با عالم معنا حکایت دارد، به دلیل سیال بودن، نامرئی بودن و قرار گرفتن انسان در موضعی منفعل، به انضباط بخشی و مراقبت دائم نیاز دارد. آنچه دین و شریعت بر عهده می‌گیرند، پاسداشت از مرزهای معنویت‌گرایی است تا به واسطه ورود تدریجی و مخفیانه عناصر معنوی کاذب، زمینه انحرافات فکری و رفتاری ایجاد نشود.

۳. تبیین صحیح مؤلفه‌های معنوی: تمدن‌سازی واقعیتی است که به بازخوانی و تبیین صحیح مؤلفه‌های معنوی نیاز مبرم دارد. گاهی در جامعه اسلامی، ممکن است تلقی‌های وارونه‌ای نسبت به برخی از مؤلفه‌های معنوی به وجود آید که شکل‌گیری مجموعه‌ای از این پنداشته‌های ناروا، جامعه را در وضعیتی راکد و ایستا نگه داشته و فرصت‌های رشد و ترقی را از بین می‌برد (ملکی، ۱۳۹۲: ۵۹۳-۶۱۶).

۵. تعریف آسیب، چالش و مانع

اگر بخواهیم به اختصار تعریفی از این سه واژه و تفاوت آنها بیان کنیم می‌توان چنین گفت که آسیب اجتماعی هر نوع رفتاری است که با ارزشهای شناخته شده جامعه در تعارض باشد و باعث اختلال در کارکرد فرد، خانواده یا جامعه بشود. در واقع آسیب مساله‌ای درونی است که از درون تمدن ریشه گرفته و مرتبط با شیوه رفتار مردمان است. از سوی دیگر چالش به مشکلات بزرگ و بغرنجی گفته می‌شود که در مسیر یک جریان یا حرکت ایجاد می‌شود و مقابله با آنها و حل مشکل با دشواری‌های زیادی روبروست. چالش می‌تواند از سوی هر دو نوع عوامل دورنی و بیرونی ایجاد گردد، هرچند اغلب چالشها از بیرون تحمیل می‌شوند. سومین واژه، مانع، همچنان که از خود کلمه بر می‌آید به معنای بازدارنده و جلوگیری کننده است و چیزی است که باعث توقف حرکت و سد شدن یک جریان می‌شود. از این رو و با توجه به تفاوت‌های این سه دسته به بیان مهمترین عوامل هر کدام می‌پردازیم.

۶. آسیب‌های تمدن‌نوین اسلامی

با عنایت به وضعیت فعلی ملت‌های مسلمان و جوامع اسلامی که در حال طرح ریزی و شکل بخشیدن به این تمدن‌نوین هستند می‌توان آسیب‌های زیر را احصاء نمود:

الف) عدم پیروی از رهبری واحد

هرگونه حرکت اجتماعی و فرهنگی در حال شکل گیری، برای جلوگیری از تشتت و چندگانگی در مسیر حرکت، نیازمند آن است که از مبدا واحدی هدایت و راهبری گردد. در اینجا نباید این موضوع با تک محوری اشتباه گرفته شود. تمرکز و یگانه بودن افاق فرمان چنین حرکت‌هایی لازمه به نتیجه رسیدن آن است. بدین معنا که ضروری است تفکرات و پیشنهادات مختلف و متنوعی که ممکن است از طریق متفکران و اندیشمندان و گروه‌های نخبه جامعه ارائه گردد در مرکز واحدی جمع و مورد نقد و بررسی قرار گرفته و نتیجه نهایی برای اجرا تعیین گردد تا بتواند مورد قبول اکثریت جامعه قرار گیرد. در تفکر اسلامی و به طور خاص در تفکر شیعی محوریت این تصمیم‌گیری ولایت فقیه است (رضایی، ۱۳۸۶: ۱۲). یکی دیگر از موانع احیای تمدن اسلامی، وجود برخی روایات و یا استنباطها و برداشت‌های نادرست از روایاتی است که در منابع اسلامی آمده است؛ از جمله، روایاتی که پرچمداران قیامها را، طاغوت معرفی کرده و یا قیامهای قبل از ظهور حجت را شکست خورده تلقی می‌کند، در حالی که تمسک به چنین اخباری از جهاتی ممنوع است؛ چرا که برخی از آنها جعلی و برخی هم به موضوع و حادثه شخصی مربوط است. بعضی از روی تقیه صادر شده و قسمتی هم از برداشت‌های غلط ناشی بوده است. علاوه بر این، تمسک به چنین روایاتی با ادله قطعی عقلی و نقلی سازگاری ندارد؛ چرا که آیات و روایات زیادی مثلاً درباره امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه و جهاد با دشمن و عدم پذیرش ظلم و... وارد شده است، که با مفاد آن روایات در تعارض است.

در هر حال این هم یکی از چالش‌های موجود بوده است که حضرت امام خمینی (ره) بارها در مقابل آن موضع‌گیری کرده اند. ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «ممکن است، روایت فراوان را نشان بدهند که بوسیله عمال ظلمه و آخوندهای درباری در تعریف و تمجید سلاطین جعل شده است. به طوری که ملاحظه می‌کنید با دو روایت ضعیف چه بساطی راه انداخته اند و آن را در مقابل قرآن قرار داده اند. قرآنی که جدیت دارد بر ضد سلاطین قیام کنید و موسی را به قیام علیه سلاطین وا می‌دارد (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۱۳۱).

برخی عقیده دارند تشکیل حکومت اسلامی تنها وظیفه امام معصوم (علیه السلام) است و هر حکومتی جز حکومت معصوم (علیه السلام) ناحق است. یکی از طرفداران این نظریه می‌گوید: شما آن مصداق حاکم اسلامی را نشان بدهید، آنی که معصوم از گناه باشد. آنی که از هوا و هوس و حب ریاست و... به هیچ وجه در او اثر نکند، نشان بدهید، او بیاید میدان، جلو بیفتد، ملت می‌افتد به پایش. حضرت امام راحل رحمه الله در پاسخ به این نوع تفکر می‌فرمایند: «اعتقاد به چنین مطالبی یا اظهار آنها، بدتر از اعتقاد و اظهار منسوخ شدن اسلام است... هر که اظهار کند که تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد، منکر ضرورت اجرای احکام شده و جامعیت احکام و جاودانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است (ضمیری، ۱۳۸۷: ۱۳۱).

بر مبنای این مقدمات، یکی از آسیب‌هایی که به شدت تمدن نوین اسلامی را تهدید می‌کند عدم پیروی از رهبری واحد و نداشتن افاق فکر و تصمیم‌گیری است. در تاریخ موارد متعددی از تمدن‌ها و حرکت‌های تمدنی فکری و فرهنگی به چشم می‌خورد که در اثر تشتت آرا و عدم تصمیم‌گیری واحد، نتوانسته اند دوام چندانی داشته باشند. گروه‌های مرجع

در جوامع از اهمیت فراوانی در عرصه فرهنگ سازی و ایجاد مدنیت نوین برخوردار می باشند. هرچه این گروهها بهتر و بیشتر در مسیر صحیح و اسلامی حرکت کنند تمدن سازی نوین اسلامی با دقت و سرعت بالاتری صورت خواهد گرفت. به یقین یکی از راهها و راهبردهای اساسی مبارزه با تهدیدهای فرهنگی و مقابله با هجمه تمدنی و فرهنگی دنیای غرب، تأکید بر روی هویت و اصالتها و ارزشهای دینی جوامع اسلامی و بالتبع تجدید اعتلای تمدن اسلامی می باشد، علی الخصوص برای نسلهای جوان و نیز نخبگان و تحصیل کردگان جامعه که به عنوان گروههای مرجع شناخته شده اند. انحراف و غرب زدگی در میان این طبقه از جامعه منجر به ایجاد انحراف و دور شدن از اهداف و آرمانهای تمدن نوین اسلامی خواهد شد (نقوی، ۱۳۱۳: ۱۳۱).

آنچه مسلم است این است که وظیفه گروههای مرجع در این حوزه بسیار خطیر است و بر آنان است که با توجه کامل بر این مساله زمینه ساز ایجاد و گسترش تمدن نوین اسلامی گردند.

ب) جدایی دین از سیاست

یکی دیگر از عوامل انحراف و سقوط مسلمین از قدرت، تلقی جدا بودن دین از سیاست و نیز ترویج آن است. لازم به ذکر است که ریشه چنین تفکری به پایان قرون وسطی در اروپا بر می گردد و پیدایش این تفکر در اروپا به منظور تقلیل و یا از بین بردن قدرت کلیسا بود. بدیهی است وارد کردن چنین تفکری در فرهنگ اسلامی سزاوار نبوده و امری نابخردانه است. قیاس اسلام با مسیحیت موجود از جهاتی مع الفارق است: الف) رویکرد کلیسای سنتی در تبیین جهان و شکوفایی علم، متحجرانه بود در حالی که چنین رویکردی مطرود اسلام است و با شکوفایی علم، مخالف نبوده است بلکه در تعالی آن کوشیده و در موقعهای متعدد مشوق عالمان بوده است. ب) سیره و سنت عملی کلیسا، پرداختن به حوزه اخلاق و غفلت از حوزه ای دیگر بود. تفکیک کار حکومت از کار خدا و دین و به عبارتی جدا انگاری نهاد دین از نهاد سیاست به صراحت در گفتار کشیشان مطرح بوده است. در حالی که اسلام چنین رویکردی را نپذیرفته و برای تمام شؤونات فردی و اجتماعی دنیوی و اخروی انسان برنامه ارائه کرده است (ورعی، ۱۳۸۷: ۶)

متأسفانه جوامع مسلمین از خطر این نوع تفکر در امان نماند و بعضی از عمال حکومت‌های مسلمین و نیز بعضی از روشنفکران وابسته، به ترویج و اشاعه این تفکر نامیمون در جوامع اسلامی پرداختند و اثرات نامطلوب آن هم بر این جوامع و جامعه اسلامی ایران، هویدا گردید و این خود، موجب وارد آمدن ضربه سنگینی بر پیکره قدرت سیاسی اسلام گردید. ویا حرکت‌های بیدارگرانه و ضد استعماری و با ماهیت مبارزه با غرب، به سرعت در حال افزایش و گسترش است. با توجه به سرعتی که این گونه فعالیتها دارند تشخیص و دقت نظر در بطن حرکتها و توجه به ماهیت آنها بسیار ضروری است.

سیاست زدگی و افسون قدرت باعث سو استفاده از این گونه جریان‌های مردمی و خیزشها به سوی تشکیل تمدنی نوین می‌گردد. در بعضی از موارد پس از موفقیت اولیه حرکت، ماهیت واقعی آن به تدریج تغییر یافته و مبتنی بر منافع مادی

و سیاسی که می‌تواند ملی‌گرایانه محض و غیردینی باشد، نمود پیدا می‌کند و ماهیت درونی اسلامی آن مورد غفلت واقع می‌شود.

ج) عدم احساس استقلال ملتها و خود باختگی آنها در برابر بیگانگان

از سویی سلطه فراگیر فرهنگ غرب و شرق بر جوامع اسلامی و باوراندن این مطلب که چنین جوامعی بدون اتکای بر فرهنگ غربی و شرقی نمی‌توانند به حیات خود ادامه دهند و از طرفی، تأثیرپذیری برخی از روشنفکران داخلی از فرهنگ‌های بیگانه، این باور را در آنها به وجود آورد که با عدم اتکا بر قدرتهای اجنبی، نمی‌توانند زنده باشند و یا حق حیات برای آنها ثابت نیست. و چنین تفکری باعث جایگزینی فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ دینی و نقطه انحراف از اسلام ناب محمدی گردید. امام خمینی(ره) در این زمینه می‌فرماید یکی از مصیبت‌های مهمی که برای ملت بار آوردند این است که ملت را نسبت به خودشان هم بدبین کردند. به این معنا که ما اگر یک مریض پیدا کنیم در تهران، ... می‌گویند که اینجا نمی‌شود، بروید به انگلستان، بروید به پاریس، این مطلبی است که از دست آنها برای ما پیدا شده است؛ یعنی ما خودمان را باختیم در مقابل آن(امام خمینی، ۱۳۶۸: ۲۱۱).

۷. چالش‌های تمدن نوین اسلامی

در راه ایجاد و توسعه تمدن نوین اسلامی مشکلاتی وجود دارد که غلبه بر آنها مشکل است. نمونه‌هایی از این گونه مشکلات که می‌توان آنها را چالش قلمداد کرد عبارتند از:

الف) تقلیدگرایی از فرهنگ غرب

لازمه ساختن تمدن نوین اسلامی پرهیز از تقلید از تمدنهای غربی است. در دوره ای فردی مثل تقی زاده که در بین چهره‌های روشنفکر غربگرا، از شهرت خاصی برخوردار است، نه تنها شعار «از ناخن پا تا فرق سر غربی باید شد» را سرداد، بلکه به تعبیر خود اولین بمب تقلید از غرب را در ایران منفجر کرد (علوی، ۱۳۸۵: ۲۳) و در نهایت به این آموزه‌ها نیز عمل نمود و تلاش فراوانی در همسان سازی اعمال و رفتار مردمان با شیوه‌های تمدنی غرب صورت داد اما نتیجه ای جز تعارضات اجتماعی را در بر نداشت. تقلید کورکورانه و تناسب نداشتن فرهنگ و تمدن غربی با فرهنگ اسلامی جاری در ایران موجب از هم گسیختگی اجتماعی شد. تهاجم فرهنگی یکی از مظاهر تلاش برای تحمیل سبک و سلوک زندگی غربی به سایر ملت‌هاست.

تهاجم فرهنگی از جمله مهم‌ترین چالشها در روند استقرار تمدن نوین اسلامی در جامعه است. فرهنگ و تمدن غربی که با تکیه بر ابزارها و امکاناتی که در قرون اخیر بدان دست یافته است در تلاش است که بتواند سیطره فرهنگی خود را بر تمام جوامع بشری افکند. بدین روی تمدن غربی در تلاش است فرهنگ مادی صرف که همه چیز را در مادیات و منافع

دنی وی می‌بیند در تمام جوامع تبدیل به فرهنگ غالب نموده و راه را بر هر نوع بدیلی ببندد. آنچه تمدن غرب با وجود تمام پیشرفتهای خود، نتوانست به آن دست یابد عدم اعطای آرامش معنوی و روحی به انسان به واسطه عدم توجه به جنبه های حقیقی تمدن و رعایت اصول و مبانی الهی در سبک زندگی انسان و دوری از اخلاق و معنویات است. چالش جدی تمدن نوین اسلامی در تقابل با این تهاجم فرهنگی و بیرون راندن آن از لایه‌های مختلف اجتماع است. با توجه به تلاشهای فراوانی که غرب در حداقل صد ساله اخیر در راستای گسترش فرهنگ خود در سطح جهانی نموده است توانسته است از طرق مختلف موفقیت‌های فراوانی را کسب کند. رواج فرهنگ مصرف‌گرایی و تجمل در جوامع از جمله نتایجی است که در اثر این تلاشها ایجاد شده است (مدنی بجستانی، ۱۳۷۴: ۸۴).

تأثیرپذیری شتابزده از فرهنگ بیگانه و باور این نکته که سعادت و رشد ما در گرو پذیرش بی چون و چرای فرهنگ و عملکرد بیگانه است، اثر هجوم افکار بیگانگان غربی و شرقی در کشورهای اسلامی بود. این عامل نیز یکی از مشکلات مهم در زمینه استقرار فرهنگ و حکومت دینی و استقلال عزت اسلامی به شمار می‌رود. در این زمینه رهبر معظم انقلاب، پرهیز کامل از تقلید از سبک و سلوک زندگی در تمدن غربی خاطر نشان کردند: ما البته بنای بر غرب ستیزی نداریم، اما براساس بررسی و تحقیق تأکید می‌کنیم که تقلید از غرب، هیچ ملتی را به جایی نمی‌رساند. پوسته فرهنگ غربی پیشرفت ظاهری است. اما، باطن آن سبک زندگی مادی شهوت‌آلود گناه‌آفرین هویت‌زدای ضد معنویت است ایشان، با اشاره به تقلید از فرهنگ غربی در برخی مظاهر زندگی در کشور افزودند: باید با فرهنگ سازی لازم، یک حرکت تدریجی در زمینه اصلاح این مسئله ایجاد شود. چنانچه در بخش دیگری از سخنان خود، سوء استفاده گسترده غرب از ابزار هنر بویژه هنرهای نمایشی و سینما را مورد اشاره قرار دادند و افزودند: سیاست مداران غربی با استفاده از این روش، بدنبال سلیقه سازی و ترویج سبک زندگی غربی در جوامع دیگر هستند. ایشان همچنین با استناد تحقیقات به عمل آمده افزودند: آنها در پروژهای تعریف شده، و با استفاده از جامعه‌شناسان، روانشناسان و مورخان، نقاط ضعف ملتها بویژه ملتهای اسلامی را بررسی می‌کنند و با شناخت راههای تسلط بر آنها، ساخت فیلم‌های خاصی را به فیلم سازان سفارش می‌دهند که در این زمینه همه مسئولان و مردم باید از فرهنگ اصیل خود و کشور، مراقبت کنند. وی بر این نکته تأکید دارند که: انقلاب اسلامی دارای توانایی، ظرفیت و انرژی متراکمی است که می‌تواند همه موانع را از سر راه بردارد و تمدن ممتاز، متعالی، برجسته و باشکوه را در مقابل چشم همه جهانیان برپا سازد (معینی پور، ۱۳۱۱: ۷۱).

ب) اختلافات و عدم انسجام و وحدت در بین مسلمانان

وحدت و همبستگی از علائم حیاتی یک اجتماع است و جامعه امروز مسلمین به دلیل اختلافات داخلی و نزاع‌های آنان با مسائل متعددی روبرو می‌باشد. چالش بسیار جدی که امروزه اکثر کشورهای اسلامی با آن دست و پنجه نرم می‌کنند اختلافات قومی و مذهبی است. این مساله قرن‌هاست که به طرق مختلف ایجاد گردیده و بر آن دامن زده شده است. وحدت میان مسلمین به معنی نزدیک شدن فرقه‌های اسلامی به یکدیگر، با حفظ کیان و ماهیت آنهاست.

با توجه به گسترش دنیای اسلام و اینکه جمعیت مسلمانان بیش از یک میلیارد نفر و روز به روز در حال افزایش است طبیعی است که دشمنان اسلام نیز بیشتر می شوند و بیکار نمی نشینند و با نیرنگها و دسیسه ها باعث تفرقه و از بین بردن اتحاد بین مسلمین می شوند. از این رو باید عوامل وحدت مسلمین را شناسایی و با راهکارهای درست و بجا به کار بست و استفاده نمود تا روابط بین آنها تحکیم شود و احدی نتواند زنجیر پیوند آنها را از هم بشکند و از بین ببرد.

در صورتی که وحدت در میان مسلمانان جاری گردد تحقق تمدن نوین اسلامی با سرعت بسیار بیشتری امکان پذیر خواهد بود. دشمنان به خوبی بر این نکته واقف گردیده و در تلاش هستند تا بتوانند این روند را با روش‌های گوناگون متوقف سازند. نمونه‌های این تلاش‌ها، ایجاد و حمایت از گروه‌های تروریست و ارهابی در میان مسلمانان و تقویت و پشتیبانی از آنان مانند طالبان، القاعده، داعش و... است.

ج) طغیان مادی‌نگری و پوچ‌گرایی در تفکر جامعه

با توجه به ظهور و بروز اغلب جریان‌های پوچ‌گرا در غرب و شیوع آنها به نقاط دیگر، می توان گفت: ایدئولوژی مکاتب غربی که بر پایه اومانیزم بنا نهاده شده است، پاسخگوی نیازهای اساسی بشر نبوده و علیرغم توسعه علم، ثروت و قدرت نظامی در این کشورها، احساس آرامش و امنیت در میان مردم وجود ندارد و روز به روز آمار جنایت، قتل و انواع فسادها رو به افزایش است؛ لذا تدوین و تبیین تمدن نوین اسلامی که بر پایه خدامحوری و ارزشهای والای انسانی بنا نهاده شده است، می تواند نقش مهمی؛ اولاً در اصلاح رویه‌ها و ساختارهای کشور و الگو شدن آن برای دیگر کشورهای مسلمان داشته باشد و در ثانی، در رشد اسلام و صدور آن به جهان، تأثیر به‌سزایی داشته باشد.

بزرگترین انتقادی که بر تمدن غرب وارد می شود این است که تمدن غرب بیشتر محصول تجربه مادی است تا تجاربی که از خاستگاه و نیازهای معنوی بشر شکل گرفته باشد. دستاورد دیگر غرب مدرن، نیهیلیسم بود که در فارسی معادل پوچ‌انگاری یا یأس فلسفی ترجمه شده است. طرفداران نیهیلیسم، ساحت غیبی و حضور خدا را نیست می انگارند یا اگر به آن اعتقاد دارند برای این ساحت غیبی، جز مقام خالقیت، شأن حضور قائل نیستند؛ یعنی حضور، هدایت و تأثیرگذاری آن را بر زندگی رد می کنند (بهمن پور، ۱۳۸۶: ۸). بنابراین عقلانیت در دنیای متمدن غرب، در خدمت منافع مادی قرار گرفت و به چیزی جز منافع مادی نمی اندیشد.

مادی‌نگری از آثار مخربی است که تمدن غرب بر جوامعی که بر آنها تسلط پیدا می کند جاری می نماید. تفکرات صرفاً مادی و بر پایه منافع شخصی که چهره ویژه‌ای در مکاتب سیاسی و اجتماعی غرب دارد با گسترش در میان مسلمانان چالش بزرگی را در میان اقوام و جوامع مسلمان ایجاد نموده است. نگاه مادی غالب در تفکر تمدن غرب با امکانات نظامی که در اختیار مستکبران قرار داده است در تعارض جدی با دستورات و تعالیم اسلام قرار دارد. این تفکر و رویکرد باعث شده است که تلاش مردمان نه بر رفع مشکلات و حوائج اقتصادی، بلکه بر ثروت اندوزی و تجمل‌گرایی و تکیه و توجه

به منافع شخص و مادی متمرکز گردد و مهمترین مشکلی که ایجاد خواهد نمود جلوگیری از جاری شدن فرهنگ اصیل اسلامی و به تبع آن ایجاد مانع در تشکیل تمدن نوین اسلامی خواهد شد (مددپور، ۱۳۷۷: ۳۸).

د) بی توجهی به ارزشها و سرمایه های دینی

یکی از سرمایه های با ارزش در هر جامعه مغزهای متفکر آن می باشد و بکارگیری صحیح این نیروها زمینه های ترقی و پیشرفت یک ملت را فراهم می سازد و در صورتی که این استعدادها و اندیشه ها در مجرای صحیح هدایت نشوند و در مسیر بیهوده مصرف شوند جامعه ذخایر قیمتی را از دست می دهد. امام خمینی (ره) در تبیین علت شکستها و ضعف مسلمانان و برتری غرب بر آنها به عوامل مختلفی اشاره می کند، ولی در بین آنها بر یک مورد بیش از همه تأکید می نماید، به طوری که از نظر امام می توان آن را علت العلل ضعف و شکست مسلمانان در مقابل غرب دانست. اما به دلیل این که اندیشه و نظام فکری شان بر توحید و تعالیم دینی استوار است، آن دلیل را «دور شدن مسلمانان از تعالیم دینی» می دانند، به طوری که عواملی نظیر خیانت حاکمان کشورهای اسلامی، سستی مسلمانان در مبارزه و مقابله با هجوم فکری و سیاسی غرب، دلمشغولی مسلمانان به ارزشهای مادی، گسترش فساد در جوامع اسلامی و ... که باعث افول تمدن اسلامی، ضعف، تفرقه و شکست آنان در مقابل غرب شدند، همگی ریشه در یک عامل اساسی دارند که آن غفلت از تعالیم الهی می باشد (طاهری، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

افراط و تفریط در ارزشها، احساس شخصیت و منش سبب پایداری اجتماع و سبب ایجاد حس بی نیازی از جوامع دیگر می گردد. ملتی که شخصیت و فلسفه مستقلی در زندگی دارا باشد در ملل دیگر تحلیل نرفته و جذب آنها نخواهد شد. افراط در پاره ای ارزشها و غفلت از ارزشهای دیگر سبب خروج از جاده اعتدال اسلام می گردد. هیچ تفاوتی نمی کند که عبادت گرای جامعه گریز باشیم یا جامعه گرای خدا گریز، این افراط و تفریطها زیان های جبران ناپذیری در پی دارد.

نتیجه گیری

با توجه به اینکه اولین قدم برای تمدن سازی، شناخت عمیق و دقیق تمدن می باشد و برای نیل به این مهم، مطالعه مهمترین خصوصیات و ویژگیهای تمدن اسلامی دارای اهمیت ویژه ای است؛ لذا پژوهش حاضر با هدف واکاوی الزامات و آسیبهای تمدن نوین اسلامی انجام شد. برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی الزامات زیادی ضرورت دارد تمدن سازی در یک فرآیند تاریخی شکل می گیرد و نباید انتظار داشت که یکباره همه لوازم آن احصاء گردد. برای همراهی جامعه جهانی و اقبال کشورهای همسو به تأسیس جامعه تمدنی اسلام باید مدلی کارآمد در مقیاس کوچک و در اندازه یک کشور اسلامی به وجود آید. این الگو می تواند دیگر دولتها را به پذیرش ساختار حکومتی مورد نظر ترغیب کند و حتی افکار عمومی جهان را به سمت وادارسازی دولتمردان خود برای بازخوانی چنین مدلی در کشور متبوع تشویق نماید این یکی از مهمترین الزامات مهندسی تمدن اسلامی مفهوم سازی در این افق است. تمدن سازی نوین اسلامی با آسیبها،

چالش‌ها و موانعی روبرو است که از جمله آنها می‌توان به عدم پیروی از رهبری واحد، انحراف از مسیر و ماهیت سیاسی و غیر دینی برخی از جنبشها، تقلیدگرایی از فرهنگ غرب، اختلافات و عدم انسجام و وحدت در بین مسلمانان، طغیان مادی‌نگری و پوچ‌گرایی در تفکر جامعه، مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان و عدم توجه به عقلانیت اسلامی اشاره نمود.

منابع و ماخذ

۱. بهمن پور، محمد سعید (۱۳۸۶)، **فراز و نشیب عقلانیت**.
۲. چگینی، حسن (۱۳۱۴)، **نظام مدیریت استراتژیک دفاعی**، جلد اول، تهران، سازمان عقیدتی و سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران
۳. (امام) خمینی، روح الله (۱۳۷۷)، **ولایت فقیه**، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴. (امام) خمینی، روح الله (۱۳۶۸)، **صحیفه نور**، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. خیری، حسن (۱۳۹۱)، **رویکرد فرآیندی اسلام در تمدن سازی**، مجموعه مقالات جشنواره شیخ طوسی، تمدن نوین اسلامی، قم، جامعه المصطفی العالمیه
۶. رضایی، عبدالعلی (۱۳۸۶) **مهندسی تمدن اسلامی**، قم، انتشارات فجر ولایت.
۷. سزگین، فؤاد (۱۳۷۱) **گفتارهایی پیرامون تاریخ علوم عربی و اسلامی**، ترجمه محمدرضا عطایی، جلد ۱ مشهد، آستان قدس رضوی
۸. ضمیری، محمد رضا (۱۳۸۷)، **تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی**، تهران، عروج.
۹. طاهری، میثم (۱۳۸۸)، **فرهنگ و تمدن غرب از دیدگاه امام خمینی**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۰. علوی، سیدعلی (۱۳۸۵)، **زندگی و زمانه سیدحسن تقی زاده**، تهران. انتشارات موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
۱۱. لاهوری، محمد اقبال (بی تا)، **احیای فکری دینی در اسلام**، ترجمه احمد آرام، تهران، کانون نشر و پژوهشهای اسلامی.
۱۲. مددپور، محمد (۱۳۷۷)، **زندگی در برزخ تمدن غربی و تمدن اسلامی**، تهران، **فصلنامه کتاب نقد**.
۱۳. مدنی بجزستانی، محمد (۱۳۷۴)، **مقابله با تهاجم فرهنگی**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۴. معینی پور، مسعود (۱۳۹۱) **ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری**، **فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی**، سال نهم شماره ۲۸
۱۵. نقوی، علی محمد (۱۳۶۳)، **جامعه شناسی غرب گرایی**، تهران، انتشارات امیرکبیر.

۱۶. ورعی، جواد. ۱۳۸۷، امام خمینی و احیای تفکر دینی.
۱۷. یعقوبی، عبدالرسول (شهریور ۱۳۸۷) تعامل تمدن اسلام و غرب، فصلنامه معرفت، شماره ۴۵
۱۸. ملکی، حسن، ملکی یاسر (۱۳۹۲)، «تعامل اخلاق، معنویت و عقلانیت در تمدن نوین اسلامی»، فصلنامه مطالعات معرفتی، دانشگاه اسلامی، شماره ۱۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی